

طعامش جز آنچه کتاب حکیم و رسول کریم، ترسیم می‌فرمایند در خانه و زندگانی‌اش، نقش‌آفرینی نماید؟ سفره ساده‌اش که بعد از هزار و یک دیده نافذ به شکم‌های گرسنه ضعیفان و سفره‌های خالی تنگدستان گسترده می‌شد، چه بود جز پیام‌های مکرر رسولان ظاهر و باطن «... کلوا و اشربوا و لاتسرفوا...» و «کلو من طیبات ما رزقناکم...» و دست به سوی طعام دراز نمی‌کرد مگر آن که گرسنگی را احساس می‌نمود و دست نمی‌کشید مگر قبل از آن که سیری به سراغش می‌آمد. شروع غذا با ذره‌ای نمک و پایان آن نیز با آن و هر آنچه دیگر که مولایش، سالار رسولان، جهت نجات پیروانش فرموده بود. سفره‌اش بیش از یک نوع غذا را دربر نمی‌گرفت در حالی که هنوز سفره گرسنه‌ای خالی از طعام بود.

تیمار ضعیفان و حقیران و فقیران
او کرد که سرسلسله دادرسان است
فهم من و قدر تو ز پستی و بلندی
گویی به مثل، چشم من و کاهکشان است

با تحمل زندگانی بسیار ساده، با فقر و تهیدستی درمی‌آویخت و هرگز تنگدستی را زیور قابل تکاپو نمی‌دانست که «... ان الشيطان بعد کم بالفقر...» و هم او بود که می‌فرمود که «به راستی فقر موجب سرگردانی عقل است» و «تنگدستی بزرگترین مرگ است» و «کسی که به دروغ، خود را به فقر بزند فقیرتر گردد».

اما بر حق و مطلق علی مرتضی باشد
ولی حضرت یزدان، وصی مصطفی باشد
گل گلزار ایمان او، گلستان صفا باشد
پناه مستمندان او زهر جور و جفا باشد

آقای مهندس مصطفی بیان به دلیل این که کارشناس علوم و صنایع غذایی هستند، مسأله غذا را در نهج‌البلاغه علی^(ع) مورد بررسی قرار داده‌اند. ایشان در این کتاب نگاه امام علی^(ع) را در مورد تغذیه بررسی کرده و نهج‌البلاغه امام را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. آقای دکتر علیرضا بیان هم که همکار داروسازمان هستند، مقدمه‌ای بر کتاب نوشته‌اند که با هم مرور می‌کنیم:

چگونه می‌توان از طعام و شیوه تغذیه ابرمردی سخن گفت که توفان برخاسته از کینه معاندان سیمای ماورایی‌اش را چنان مستور ساخته که جز بارقه‌ای چند از خورشید وجودش بر ما، هم بستران خاک، همچنان مخفی و پنهان باقی مانده است. از سوی دیگر با نگاهی حتی نه چندان ژرف بر پرتوی از این مهر تابان، نه تنها این پرسش که بسیاری از سؤالات دیگر نیز درباره شخصیت والایش تا حدی که شایسته آن باشیم بر ما مکشوف و هویدا می‌گردد، چون به راستی برای آن که به قرآن مجسم تعبیر می‌شود، چه آینه‌ای بهتر از قرآن دیدار سیمای فرخنده‌اش می‌توان یافت. پرورش یافته خانه‌ای که با بارش وحی و فرود فرشتگان، در پهنه گیتی، پرتوافکن می‌شود. دلداده‌ای که در بلندای قله دانش و خرد با دست‌های کودکانه خود، اولین و چه بسا مهمترین بیعت را در پیوستن به اسلام با سالار اصفیای عالم می‌نماید.

کسی که ملک فراتر از کسری و جم، برایش بیش از کفش وصله‌کرده‌ای نمی‌ارزد و طرب‌خانه خاکی با هزاران بت عیارش همیشه و همیشه مغلوب ایمان فراتر از کائنات او می‌گردد چگونه می‌تواند مفتون جلوه خوان و شیدای نان گردد و خوراک و

یدالله فوق ایدیهیم، علی دست خدا باشد. در بخش مربوط به امام و نهج‌البلاغه نیز مطالب بسیار جالب و قابل استفاده‌ای به رشته تحریر درآمده که با هم این بخش را نیز مرور می‌کنیم:

«پروردگارا، بر دانش من بیفزای»

امیرالمؤمنان علی^(ع) به راستی اقیانوس بی‌کران دانش و دریای مواج شناخت و آگاهی و کمال بود. ما هرگز نمی‌توانیم به درجات والای ایمان و بلندای قله پرفراز شناخت و آگاهی و مراتب علمی و موقعیت شکوهبار او پی ببریم. چرا که پیامبر اسلام در این مورد فرمود:

«علی جان! خدای یکتا را آن گونه که در خور ذات بی‌همتای اوست، جز من و تو کسی نمی‌شناسد و مرا نیز جز ذات پاک آفریدگارم و تو انسان ملکوتی و خدایی، آن گونه که باید نمی‌شناسد و عظمت و موقعیت پرفراز تو را نیز که شایسته و بایسته است جز خدا و من نمی‌شناسد.»

و در جایی دیگر پیامبر اکرم^(ص) درباره فضایل علی^(ع) فرمودند: «کسی بنویسد فضیلتی از فضایل او را ملائکه فرود خواهند آمد تا استغفار نمایند آنچه برای او گناه نوشته شده است. و کسی که گوش بدهد به فضایل او خدا می‌بخشد برای او گناهایی که به دست آورده است به وسیله شنیدن و کسی که نگاه کند به نوشته‌ای از فضایل او خدا می‌بخشد برای او گناهایی که به دست آورده از طریق نگاه.» امام علی^(ع) می‌فرماید:

«ای مردم، پیش از آن که مرا نیابید آنچه می‌خواهید برسید که من به راه‌های آسمانی از راه‌های زمین آشناترم.» و یا در سخنی دیگر اشاره کردند: «[بدان] در این جا علمی فراوان و انبوه است

[و با دستش اشاره به سینه مبارکشان کرد] اگر افراد شایسته می‌یافتیم به آنان تعلیم می‌دادم.»

و ما نیز در شرایطی نیستیم که بتوانیم دانش بی‌کران امام راستین و برگزیده بارگاه خدا را بسنجیم و حدود آن را بازشناسیم و برای آن مرزی مقرر داریم چرا که دانش گسترده امام معصوم از دانش پیامبر و دانش بی‌کران او نیز از علم بی‌پایان خدا سرچشمه می‌گیرد و این دانش، آموزشی و فراگرفتنی نیست بلکه موهبتی است از سوی خدا که به آن برگزیده بارگاه حق ارزانی می‌گردد.

امیر مؤمنان علی^(ع) افتخار آن را داشت که از کودکی - شش سالگی - در خانه رسول خدا^(ص) پرورش یابد. در این باره نقل‌های جالبی وجود دارد که ابن ابی الحدید - شارح برجسته نهج‌البلاغه و سنی معتزلی - آن‌ها را یکجا فراهم آورده است. از جمله از زیدبن علی بن الحسین^(ع) نقل شده است که در آن دوران، رسول خدا^(ص) گوشت و خرما در دهان مبارکشان نرم می‌کرد تا خوردن آن آسان شود؛ آن‌گاه آن را در دهان امام می‌گذاشت. به دلیل همین قرابت بود که امام، نخستین کسی بود که به رسول خدا^(ص) ایمان آورد. او خود فرمود: لم یسبقنی الا رسول الله بالصلاة.

حقیقت آن است که پیامبر^(ص) به پاس جایگاه بلند امام در میان اصحابش، هم به لحاظ معنوی و هم به جهات علمی و اجتماعی و نیز فداکاری‌های او در عرصه‌های مختلف در هر فرصت مناسب، با فرمایشاتی که درباره خصایص و ویژگی‌های آن حضرت می‌فرمود، قدر و اعتبار او را به مردم تفهیم می‌کرد.

امام در نامه‌ای نوشت: «من و رسول خدا^(ص) چون

هزاران نام که مصنفان، مولفان و مترجمان حوزه مسلمانی بر کتاب‌های خود نهاده‌اند، هیچ نامی چون «نهج‌البلاغه» با محتوای کتاب منطبق نیست و می‌توان گفت: این نام از عالم غیب بر دل روشن شریف سید رضی افاضه گردیده است.

از روزی که این کتاب در اختیار دانشمندان اسلامی اعم از شیعه و سنی قرار گرفت، کارهای علمی فراوانی بر روی آن انجام دادند.

اهمیت نهج‌البلاغه به دنیای اسلام اختصاص ندارد، بلکه در دنیای مسیحیت نیز توجه دانشمندان به آن جلب شده و کارهای علمی خوبی درباره آن انجام داده‌اند. بی‌تردید اهمیت نهج‌البلاغه از این جهت است که حاوی سخنان امام علی^(ع) می‌باشد. آنان که نهج‌البلاغه را ستوده‌اند در واقع کلام امام را ستوده‌اند، همان‌گونه که امام علی^(ع) شخصیتی فرامذهبی دارد نهج‌البلاغه کتابی فرامذهبی است. «ابن ابی الحدید» - شارح نهج‌البلاغه - که خود از اهل سنت بود و پیرو مکتب معتزلی، اما به امام موحدین عشق می‌ورزید و در صفحات آغازین شرح نهج‌البلاغه درباره امام چنین گفت:

«چه بگویم درباره بزرگمردی که دشمنانش به ولایی او خستو شدند و امکان انکار مناقبش را از دست دادند و پوشاندن برتری‌هایش را نتوانستند ... تو [خواننده] می‌دانی که بنی امیه بر پادشاهی خاوران و باختران چیره گشتند و با تمام نیرنگ و تزویر در خاموش کردن انوار تابناک وجود علی^(ع) کوشیدند و کسان بسیاری را علیه او برانگیختند و برای او کاستی‌ها، عیب‌ها، ناروایی‌ها و کارهای نکوهیده تراشیدند و بر فراز منبرهای بدو لعن کردند و بر شخصیت ولایی او طعن روا داشتند.

دو شاخه‌ایم از یک درخت رسته و چون آرنج به بازو بسته». امام فرمود: «من همچون نوزاد شتری که دنبال مادرش می‌رود، دنباله‌رو پیامبر بودم.» و می‌فرمود: «من حتی لحظه‌ای در مقابل خدا و رسول^(ص) اظهار مخالفت نکردم.»

مستتر کرنیکوی انگلیسی، استاد ادبیات در دانشگاه هندوستان، در مجلسی که استادان ادبیات و زبان‌های مختلف حضور داشتند، هنگامی که از وی درباره معجزه بوده قرآن پرسیده شد، چنین پاسخ داد: «قرآن برادر کوچکی دارد به نام نهج‌البلاغه، آیا کسی می‌تواند مانند این برادر کوچک بیاورد، تا ما را مجال بحث از برادر بزرگ (یعنی قرآن) و امکان آوردن نظیر آن باشد؟».

نهج‌البلاغه، پس از قرآن مجید و گفتار پیامبر بهترین سخن و برترین کلام است. پیامبر اکرم^(ص) از آن حضرت، «در دانش، دانشمندترین» از اولین و آخرین نامیدند.

«نهج‌البلاغه» عنوان کتابی است که در فرهنگ اسلامی مانند آفتاب نیمروز می‌درخشد؛ و صدفی مشحون به گوهرهایی از حکمت‌های عالی است. فریسیسیان، از اندیشمندان مسیحی مذهب انگلیس درباره جذابیت خطبه‌های نهج‌البلاغه و سخنان حضرت علی^(ع) می‌گوید: «اگر علی^(ع)، آن خطیب بزرگ، در عصر ما، هم‌اکنون بر منبر مسجد کوفه پا می‌نهاد، می‌دید که مسجد کوفه با آن همه پهناوری از سران و بزرگان اروپا موج می‌زد. می‌آمدند تا روح خود را از دریای سرریز دانش و علم او سیراب سازند. تالیف سید رضی «نهج‌البلاغه» نام داد. یعنی راه سخن رسا گفتن.

دکتر شهیدی درباره نام کتاب می‌گوید: «در میان

«سید رضی» صاحب نهج البلاغه در ستایش و توصیف امام علی^(ع) می‌گوید: «امیرالمومنین^(ع) آبشخور فصاحت و ریشه و زادگاه بلاغت است. اسرار مستور بلاغت از وجود او ظاهر گشت و قوانین آن از او اقتباس شد. هر گوینده سخنور از او دنباله روی کرد و واعظ سخندانی از سخن او مدد گرفت، در عین حال به او نرسیدند و از او عقب ماندند. بدان جهت که بر کلام و نشانه‌ای از روش خدایی و بویی از سخن نبوی موجود است.»^{۲۳}

اینک این کتاب جاودانه او، نهج البلاغه است که در دسترس ماست، کتاب شگفت‌انگیزی که نه در بردارنده همه سخنان و روشنگری‌های آن آموزگار علم و عمل و آن قهرمان نظم و تدبیر و آن خداوندگار بیان و هنر، که تنها که در بردارنده یک بخشی از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها و اندیشه‌های اوست. امید است مقبول درگاه خدای تعالی و امیرالمومنین علی^(ع) و مورد استفاده خوانندگان گرامی قرار گیرد (شایان ذکر است که شماره خطب و رسایل و حکم بر طبق ترجمه استاد محمد دشتی و آیت‌الله مکارم شیرازی می‌باشد).

در خاتمه، ضمن تشکر از آقای مهندس مصطفی بیان که این کتاب را برایمان ارسال داشته‌اند، و قدردانی از آقای دکتر علیرضا بیان برای مقدمه خوبشان بر این کتاب، مطالعه آن را به تمامی همکاران و مخاطبان رازی توصیه می‌کنیم.

ستایشگران او را نه تنها تهدید کردند، بلکه به زندان افکندند و کشتند و از نشر هر حدیثی و سخنی که مشتمل بر فضیلتی برای او بود، یا نام و یاد او را به گونه‌ای فرامند می‌ساخت، با تمام توان جلو گرفتند. حتی از این که کسانی برای فرزندانشان نام علی را برگزینند، منع کردند، اما تمام آنچه انجام دادند جز این که نام او بلند آوازتر و جایگاهش در ذهن و زبان مردم فرازمن‌تر گردد اثری نداشت، بدان گونه که مشک و عبیر را هر چه پوشیده‌تر دارند، بوی خوش آن فراگیرتر و رایحه دل‌انگیزش گسترده‌تر شود، و چونان آفتاب که هرگز با کف دست و پنجه‌ها پوشیده نخواهد شد و بسان پرتوافکنی آفتاب در هنگام اوج نیم‌روز، که گرچه نابینایی آن را نبیند چشمان بی‌شماری آن را خواهند دید.»

«خلیل بن احمد فراهیدی» دانشمند و نحوی بزرگ، واضع «عروض» و از پیشروان فرهنگ‌نویسی: «بی‌نیازی او از همه و نیاز همگان به او به دو دلیل است که امام همگان است.»

«شهید استاد مطهری»: «سخن هر کس به همان دنیایی تعلق دارد که روح گوینده‌اش به آن تعلق دارد طبعاً شخصی که به دنیاها بی‌شمار تعلق دارد، روح صاحب آن نیز در انحصار یک دنیا نبوده و بلکه در دنیاها بی‌شمار تعلق دارد، خلاصه شده است. نهج البلاغه چنین ترسیمی از شخصیت علی بن ابیطالب^(ع) ارائه می‌دهد.»